

الگوی تربیت اخلاقی اسلامی با محوریت کرامت نفس

محمد شهرباری *

محمد رضا شرفی **

پذیرش نهایی: ۹۳/۱۱/۱۹

دریافت مقاله: ۹۲/۱۰/۳۰

چکیده

«کرامت نفس» از جمله مهم‌ترین مبانی انسان‌شناختی تربیت اسلامی است. این مفهوم در اخلاق و تربیت اخلاقی اسلامی نقطه کانونی ایجاد تحول اخلاقی است. در این پژوهش با بررسی متون اسلامی، مفاهیم مرتبط با کرامت نفس شناسایی، و روشن شد این مفاهیم در ارتباطی منطقی باهم است و می‌توان الگویی از تربیت اخلاقی را با محوریت مفهوم کرامت نفس ارائه کرد. در آموزه‌های اسلامی، کرامت از وجهی ذاتی وجود انسان تلقی شده است که به این دلیل به‌عنوان مبنای تربیت اسلامی مورد توجه قرار می‌گیرد. مایه این نوع از کرامت، عقل و فطرت انسان یا به‌طور کلی روح الهی انسان است. از وجهی دیگر کرامت، اکتسابی نامیده شده است که به این دلیل هدف تربیت اسلامی تلقی می‌شود. علاوه بر این، مفاهیم دیگری چون «خودشناسی»، «احساس کرامت نفس» و «تقوا» در قرآن و روایات در ارتباط با مفهوم کرامت مورد توجه قرار گرفته است. این پژوهش با بررسی آیات و روایات مشتمل بر مفهوم کرامت انسان، به روش فقه‌الحديث، تحلیل و استنتاج در پی شناسایی کارکرد این مفهوم در تربیت اخلاقی برآمده و بر این اساس الگویی از تربیت اخلاقی را با محوریت کرامت آدمی شامل پنج مینا، یک هدف نهایی (کرامت اکتسابی)، سه هدف واسطی (خودشناسی، احساس کرامت نفس و تقوا) پنج اصل و پنج روش کلی ارائه کرده است.

کلید واژه‌ها: تربیت اخلاقی، کرامت ذاتی، خودشناسی، احساس کرامت نفس، تقوا، کرامت اکتسابی.

* نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی علامه طباطبایی(ره)

shahryarymd@gmail.com

** دانشیار گروه تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

msharafi@ut.ac.ir

مقدمه

تربیت اخلاقی از ابعاد مهم تربیت اسلامی به شمار می‌رود. در اندیشه قدما، تربیت اسلامی آنچه عموماً به‌عنوان مباحث تربیتی مطرح شده در واقع به‌نوعی مباحث مربوط به تربیت اخلاقی است و این از شأن تربیت اخلاقی حکایت دارد^(۱). امروزه نیز از جمله کارکردهای اساسی نهاد تعلیم و تربیت، تربیت اخلاقی است. در عموم نهادهای تعلیم و تربیت در جهان امروز، تربیت اخلاقی مورد توجه است؛ هرچند در باب مباحث بنیادی آن تفاوت نظر وجود دارد. در عصر کنونی پیچیدگی مسائل اجتماعی و فرهنگی، این کارکرد نظام تعلیم و تربیت را نیز با دشواری و پیچیدگی خاصی رو به رو کرده است.

جامعه ما نیز با عنایت به اهداف و آرمانهای متعالی خود، شأن و جایگاهی خاص برای تربیت اخلاقی قائل است؛ حتی گاهی توفیق در تربیت اخلاقی، مهمترین معیار ارزیابی عملکرد نهاد آموزش و پرورش به شمار می‌رود؛ با وجود این، ضعف و نارساییهای برنامه تربیت اخلاقی نهادهای رسمی و غیررسمی تعلیم و تربیت در جامعه ما بر کسی پوشیده نیست. به نظر می‌آید این امر با عدم کفایت پژوهشهای نظری و کاربردی برای تدوین برنامه‌ای جامع در باب تربیت اخلاقی، بی‌ارتباط نیست. بنابراین لازم می‌آید تربیت اخلاقی به‌عنوان یکی از مهمترین ابعاد تربیت اسلامی، بیش‌ازپیش مورد توجه پژوهشگران عرصه تربیت اسلامی قرار گیرد.

از سوی دیگر، توجه به منابع اسلامی بیش از هر چیز می‌تواند در زمینه تبیین و تدوین نظریه کارآمد تربیت اخلاقی مؤثر باشد؛ چراکه جهت اصلی رسالت پیامبر اعظم (ص)، کامل کردن مکارم اخلاقی ذکر شده و نیز بخش قابل توجهی از آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع) به اخلاق و تربیت اخلاقی اختصاص یافته است.

بر این اساس این پژوهش با انگیزه ارائه الگویی از تربیت اخلاقی اسلامی با محوریت کرامت نفس به‌عنوان یکی از مهمترین مبانی تربیت اسلامی به این مهم اقدام کرده است. به باور برخی اندیشمندان، کرامت، محور تعلیم و تربیت دین الهی و اساس تعلیمات آسمانی بر کرامت انسان نهاده شده است (جوادی آملی، ۱۳۶۷). به بیان مطهری، آن نقطه‌ای از روح انسان، که اسلام روی آن دست گذاشته است برای احیای اخلاق انسانی و برای اینکه انسان را به سوی اخلاق سوق بدهد، کرامت نفس است (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۲۲: ۳۹۶). ایشان معتقد است که در اخلاق اسلامی

یک موضوع است که می‌توان آن را پایه و محور همه تعلیمات اخلاقی اسلامی قرار داد و آن اصل کرامت نفس است (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۲۲: ۴۰۹).

بهشتی و همکاران (۱۳۸۸: ۲۲۸) نیز با اشاره به آثار مطلوب اخلاقی و ارادی احساس کرامت در تربیتی، می‌نویسد: «کرامت انسانی که در ساختار وجودی او ریشه دارد، باید دستورالعمل کلی در تدابیر تربیتی تلقی شود؛ برای پرورش و رشد آن برنامه ریزی گردد و عوامل و موانع آن باز شناسی شود».

هر چند برخی اندیشمندان تربیت اسلامی به این مهم به شکل مبنای عامی در تربیت اسلامی عنایت داشته‌اند به طور خاص کارکرد کرامت در تربیت اخلاقی (به رغم شواهد دینی) مورد توجه قرار نگرفته است. در این ارتباط بخشی از پژوهشها در ادامه به اجمال بررسی شده است:

"مروری بر مبانی، اصول و شیوه‌های تهذیب اخلاقی از نظر غزالی و فیض" پژوهشی است که در قالب پایان نامه توسط صادق زاده در سال ۱۳۷۵ انجام شده است. این پژوهش به توصیف، تنظیم و مقایسه مهمترین اندیشه‌های دو متفکر بزرگ جهان اسلام درباره پیرایش آدمی از آلودگیهای اخلاقی در عرصه تربیت اخلاقی پرداخته است. "نقد تطبیقی علم اخلاق و روانشناسی معاصر" عنوان پژوهشی است که توسط خسرو باقری به منظور نقد تطبیقی مبانی و شیوه‌های تربیت اخلاقی انجام شده است. "رویکردها و روشهای تربیت اخلاقی و ارزشی" پژوهش دیگری است که توسط سید مهدی سجادی در قالب مقاله در سال ۱۳۷۹ عرضه شده است. این پژوهش با تأکید بر عدم کفایت پژوهشهایی که تا کنون در باب تربیت اخلاقی انجام شده است به بررسی نارساییهای رویکردها و روشهای تربیت اخلاقی می‌پردازد.

"کرامت انسان از دیدگاه اسلام"، عنوان پژوهشی است که سید مهدی مهرداد در سال ۱۳۷۲ در دانشگاه امام صادق(ع) به انجام رسانده است. در این پژوهش کرامت انسان به عنوان یکی از مباحث انسانشناسی مورد بررسی قرار گرفته است. "در تکاپوی رسیدن به الگویی از تربیت اخلاقی در اسلام" عنوان پژوهشی است از عباسعلی شاملی (۱۳۷۹) که سعی دارد زیرساختهای اولیه و اساسی لازم الگوسازی تربیت اخلاقی در اسلام را تبیین و ارائه کند. مفهوم شناسی، ابعاد تربیت اخلاقی، مقایسه مفهوم و پیشینه تربیت اخلاقی در اسلام و غرب و توصیف برخی رویکردهای معاصر در تربیت اخلاقی مهمترین مباحث این مقاله است. "کرامت انسان در قرآن (ماهیت، مبانی، موانع)"، عنوان پژوهشی است که در سال ۱۳۸۸ به عنوان رساله دکتری توسط بهروز یداله پور در

دانشگاه قم ارائه شده است. این پژوهش پس از معناشناسی «کرامت» و «انسان» در قرآن می‌کوشد به معنای دقیق «کرامت انسان» در نظام معنایی قرآن دست یابد. "بررسی عزت نفس و آثار تربیتی آن از دیدگاه قرآن کریم براساس تفسیرالمیزان"، پژوهش (پایان نامه) دیگری است که در سال ۱۳۸۸ زهرا زارعی در دانشگاه علامه طباطبایی در مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد انجام داده است. مرور پژوهشهای مربوط به تربیت اخلاقی حاکی است که بخش عمده‌ای از پژوهشها تنها بر مبادی تربیت اخلاقی متوقف است؛ برخی نیز به شکل مطالعات تطبیقی ارائه شده است. اگرچه پرداختن به تربیت اخلاقی به شکل مقایسه و تطبیق آرای بزرگان مسلمان با اندیشه‌های فلاسفه اخلاق، مکاتب اخلاقی معاصر و متفکران اخلاقی غرب، ثمربخش است، باید عنایت کرد که اخلاق و در نتیجه تربیت اخلاقی ارتباطی دقیق با جهان بینی دارد و در واقع پیشفرضهای بنیادی خود را از یک نظام فلسفی خاص می‌گیرد. الگوی تربیت اخلاقی ما باید هماهنگ، منسجم و بلکه ترجمه‌ای از آموزه‌ها و جهان بینی اسلامی ما در حوزه علم اخلاق اسلامی و تربیت باشد.

علاوه بر این ملاحظه شد که پژوهشهای مربوط به کرامت، نقش اساسی این مفهوم را در تربیت اخلاقی مورد توجه قرار نداده است. با عنایت به اینکه در مباحث اخلاقی آموزه‌های اسلامی، مفهوم کرامت بسیار پر بسامد است، شایسته است این مفهوم به طور خاص در تربیت اخلاقی مورد توجه قرار گیرد. در بخشی از این پژوهشها، مبانی کرامت از دید اسلام مورد کاوش قرار گرفته اما این گروه از پژوهشها صبغه تربیتی ندارد و به عبارتی دلالت تربیتی بحث مورد عنایت نبوده است. در برخی دیگر کرامت انسان با نگرش تربیتی با تأکید بر آثار پرورش آن مورد توجه قرار گرفته است اما در پرداختن به مبانی نقصهایی هست؛ علاوه بر آن روشهای تربیتی توصیه شده تناسب لازم را با مفهوم کرامت نفس ندارد. در عموم این پژوهشها مفهوم شناسی به طور دقیق انجام نشده است؛ به عنوان نمونه تمایز میان کرامت ذاتی و اکتسابی، احساس کرامت نفس و اعتماد به نفس یا اصطلاحات مشابه دیگر بخوبی مشخص و تفکیک نشده است که این خود در طراحی اصول و روشهای تربیتی نقصهایی ایجاد می‌کند.

از سوی دیگر در عموم پژوهشها طراحی الگوهای نظری و کاربردی تربیت اخلاقی بر اساس مبانی محوری و اساسی اخلاق اسلامی مانند کرامت نفس، حیا، صبر، حبّ و ... عموماً مورد توجه قرار نگرفته است حال اینکه اهمیت و محوری بودن این مفاهیم، حاکی است که پژوهش در این باب می‌تواند به شکل قابل ملاحظه‌ای برای دستیابی به نظریه تربیت اخلاقی اسلامی راهگشا باشد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش‌های تربیتی با عنایت به اهداف و مقاصدشان به دو گونه کاربردی و بنیادی تقسیم می‌شود. هدف از پژوهش‌های کاربردی حل مسائل فوری و عملی است. این گونه پژوهش‌ها به بررسی مسئله‌ای خاص تمرکز دارد. پژوهش‌های بنیادی جهت‌گیری‌های کلی‌تری دارد و هدف آنها افزودن بر مجموعه اطلاعات منسجم آن رشته علمی است. چنین پژوهشی الزاماً کاربرد فوری و عملی ندارد (خوی‌نژاد، ۱۳۸۷). با عنایت به اینکه این پژوهش بر مصداق ناظر نیست و در پی کاوشی نظری، و ارائه الگویی کلی از نسبت میان کرامت نفس و تربیت اخلاقی است از نوع پژوهش‌های بنیادی خواهد بود.

از حیث روش پژوهش بنا به اقتضا در این پژوهش از روش‌های مختلف پژوهش بهره گرفته شده است. زمینه پژوهش آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع) است. شیوه‌ای که در این پژوهش برای درک مفاهیم و دسترسی به پیام‌های تربیتی آیات و احادیث به کار برده شده، از این قرار است که ابتدا با جستجویی اجمالی در آیات قرآن، تفاسیر، معاجم، مفردات قرآن و منابع اصیل روایی، مجموعه‌ای کلیدواژه شامل کرامت ذاتی و اکتسابی، عزت، حریت، شرافت، خودشناسی و ... که بر ابعاد مختلف کرامت آدمی در آموزه‌های اسلامی ناظر است، فراهم شد. پس از آن با مراجعه به این منابع آیات و احادیث دربردارنده مفهوم کرامت آدمی و یا مفاهیم مترادف و مرتبط با آن مجموعه‌ای از آیات و احادیث فراهم شد. این پژوهش به علت رجوع به منابع روایی دسته اول و روایات متقن، مشهور و مورد وثوق عموم محدثان از کاربرد دانش‌های مقدماتی در فهم احادیث مانند علم رجال بی‌نیاز است و تنها با دانش‌هایی سر و کار دارد که به فهم حدیث و شرح آن مربوط می‌شود.

فقه‌الحديث: راه یافتن به فهم و تفسیر صحیح از احادیث به کمک فقه‌الحديث میسر می‌شود. فقه‌الحديث «دانشی است که به بررسی متن حدیث می‌پردازد و با ارائه مبانی و سیر منطقی فهم آن، ما را به مقصود اصلی گوینده حدیث نزدیک می‌گرداند» (مسعودی، ۱۳۸۷: ۷) به بیانی دیگر مجموع روش‌ها و راهکارهایی که اعمال آن ما را در فهم و درک عمیق‌تر متن حدیث، یاری می‌رساند، دانش فقه‌الحديث نام دارد.

مسعودی (۱۳۸۷) برای فهم حدیث دو مرحله ذکر می‌کند: مرحله اول فهم متن حدیث که در

آن با آگاهی از معنای واژه‌های متن حدیث و چگونگی ترکیب و ارتباط آنها با یکدیگر به مفهوم اولیه حدیث دست می‌یابیم. در مرحله دوم یعنی فهم مقصود اصلی حدیث با در نظر گرفتن قرینه‌های مقامی و لفظی با این پیشفرض در فهم حدیث پیش می‌رویم که ممکن است مفهوم متن با مقصود گوینده مطابقت نداشته باشد و باید در پی فهم مقصود اصلی گوینده بود.

در این پژوهش هم‌چنین از «تشکیل خانواده حدیث» به منظور درک بهتر مفاهیم و منظور احادیث بهره برده‌ایم. تشکیل خانواده حدیث روشی است که در آن احادیث مشابه، هم‌مضمون، ناظر به یک موضوع محوری و نیز ناظر به یکدیگر در کنار هم قرار داده می‌شود و با فهم نسبت‌های آنها با یکدیگر برای راه یافتن به معنای حقیقی و نیز حکم نهایی احادیث تلاش می‌شود. میان احادیث هم‌خانواده، رابطه‌های متعددی از جمله تخصیص، تقيید و تبیین برقرار است (همان).

شیوه‌های گوناگونی برای تشکیل خانواده حدیث ذکر شده که این پژوهش نیز به تناسب از آنها بهره برده است؛ از جمله مراجعه به جوامع روایی و تصنیف‌های موضوعی، استفاده از معجم‌های لفظی و موضوعی و بهره‌گیری از رایانه (مسعودی، ۱۳۸۷).

بنابراین در این پژوهش برای استفاده از مجموعه احادیث فراهم شده به این شیوه عمل شد که پس از فهم مفهوم واژه‌ها، ترکیب آنها، لحاظ نمودن قرینه‌ها و دست یافتن به مفهوم متن و مقصود گوینده حدیث، که با مراجعه به تفاسیر، مفردات، لغتنامه‌ها و سایر احادیث انجام شد، احادیث برحسب یکسان بودن مقصود و معنا نیز تشابه، هم‌مضمونی و ناظر به یک موضوع محوری بودن در گروه‌هایی طبقه‌بندی و خانواده حدیث تشکیل، و پس از آن مقصود و معنای کلی احادیث هر گروه استخراج شد.

چنانکه برخی متفکران (مسعودی، ۱۳۸۷) تأثیر دانش بشری و یافته‌های علوم انسانی را بر فهم حدیث پذیرفته‌اند، این پژوهش نیز برحسب نیاز هم در حوزه روش و هم در محتوا از دستاوردهای فلسفه تعلیم و تربیت به منظور دستیابی به فهم عمیق‌تر احادیث بهره برده است.

روش استنتاج: بخشی از پژوهش به بررسی دلالت‌های تربیتی مبانی فراهم شده اختصاص یافته است. بنابراین برحسب نیاز به منظور توصیه و طراحی اصل و روش مبتنی بر مبانی از روش قیاس عملی استفاده شده است. لازم به اشاره است که در توصیه روشها الزاماً استنتاج به کار گرفته نشده بلکه در مواردی تنها تناسب روش با اصول و مبانی مورد توجه قرار گرفته است. علاوه بر این دو روش در مواردی روش تحلیل زبانی و مفهومی (بنا به اقتضای شیوه‌های بررسی بافت یا سیاق

مفهوم، بررسی مترادف کلمات یا عبارات، تحلیل برحسب مفهوم متضاد و تحلیل برحسب شبکه معنایی (باقری، سجادیه و توسلی، ۱۳۸۹) نیز به کار گرفته شده است.

کرامت نفس در آیات و روایات

بر اساس مشتقات مفهوم کرامت و مفاهیم مرتبط با آن در آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع)، که شیوه دستیابی بدان سابقاً ذکر شد برای سازماندهی و آسان بودن کاربرد یافته‌ها در تربیت اخلاقی، یافته‌ها در چهار بخش طبقه‌بندی شد. علت اصلی این طبقه‌بندی نیز این بود که بعد از تشکیل خانواده احادیث مربوط به کرامت، بررسی روایات جمع‌آوری شده که به‌نوعی به مفهوم کرامت اشاره داشت، نشان داد روایات در چهار گروه قابل طبقه‌بندی است یا چهار خانواده حدیث قابل تشکیل است. برخی احادیث نیز در چند گروه جای می‌گیرد. در گام بعدی با تحلیل گزاره‌های حاصل از آیات و روایاتی که به‌گونه‌ای به مفهوم کرامت آدمی اشاره دارد، می‌توان به بیان نسبتاً روشنی از کارکرد این مفهوم در تربیت اخلاقی دست یافت.

گروه اول: مدلول این گروه کرامت ذاتی است.

۱ - وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً (اسراء/۷۰): و ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنان را بر مرکبهای آبی و صحرائی سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه روزیشان کردیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتریشان دادیم؛ آن‌هم چه برتری.

۲ - اَكْرَمَ نَفْسِكَ عَنْ كُلِّ دِينَةٍ وَ اِنْ سَأَقْتِكَ اِلَى الرَّغَائِبِ فَانْكُ كُنْ تَعْتَاضَ بِمَا تَبْدُلُ مِنْ نَفْسِكَ عَوْضاً: نفس خود را گرامی و محترم بدار از اینکه به پستی دچار بشود؛ زیرا اگر از نفس خود چیزی را باختی و از دست دادی، دیگر هیچ چیز نمی‌تواند جای آن را پر کند (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

۳ - لَا تَكُنْ عَبْدًا غَيْرِكَ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا: بنده دیگری مباش؛ زیرا خدا تو را آزاد آفریده است (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

۴ - أَثَمَنَ بِلِنْفَسِ النَّفْسِيَّةِ رِبْهَا وَ لَيْسَ لَهَا فِي الْخَلْقِ كَلِّهْمُ ثَمَنٌ. امام صادق (ع) می‌فرماید بهای نفس گرانبها را پروردگارش می‌داند که قیمتی برای آن در تمام آفرینش نیست (مجلسی، ۱۴۰۳، ج

۷۵: ۱۲۵).

۵ - إِنَّ النَّفْسَ لَجَوْهَرَةٌ تَمِينَةٌ مِّنْ صَانِهَا رَفَعَهَا وَمِنْ ابْتِدَالِهَا وَضَعَهَا: بدرستی که نفس گوهری است گرانبها هر که نگاهداری کند آن را بلند گرداند آن را، و هر که نگاهداری نکند آن را پست گرداند آن را. مراد از «نگاهداری آن» تربیت آن است و مشغول نمودن آن به تحصیل و فضائل و کمالات و منع آن از اقتنای صفات نکوهیده و افعال ناپسندیده (خوانساری، ج ۲: ۵۲۲).

۶ - أَلَا إِنَّهُ لَيْسَ لِنَفْسِكُمْ تَمَنُّ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِعُوهَا إِلَّا بِهَا: همانا بهایی برای جان شما جز بهشت نیست؛ پس به کمتر از آن نفروشید (تصنیف غررالحکم و دررالکلم: ۲۳۲).

۷ - إِنْ مَن بَاعَ نَفْسَهُ بِغَيْرِ الْجَنَّةِ فَقَدْ عَظَمَتْ عَلَيْهِ الْمِخَنَةُ: همانا کسی که بفروشد نفسش را به چیزی جز بهشت پس همانا رنج و محتشش عظیم می شود (همان: ۲۳۲).

گروه دوم: مدلول این گروه احساس کرامت نفس است.

۸ - مَن كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهَوَاتُهُ: آن که در خود احساس کرامت و بزرگواری بکند، مخالفت با شهوات حیوانی برای او آسان است و هوا و هوس را خوار شمارد (نهج البلاغه، حکمت ۴۴۹).

۹ - مَن كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يُهِنْهَا بِالْمَعْصِيَةِ: هر که گرامی باشد بر او نفس او، خوار نگرداند آن را به نافرمانی حق تعالی (نگذارد که نافرمانی کند و به سبب آن خوار گردد) (شرح خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم، ج ۵: ۳۵۷).

۱۰ - مَا كَرُمَتْ عَلَى عَبْدٍ نَفْسُهُ إِلَّا هَانَتْ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ: هیچ بنده‌ای نفسش در نزد او بزرگووار نشد مگر اینکه دنیا در چشم او خوار شد (عیون الحکم و المواعظ: ۴۸۲).

۱۱ - مَن كَرُمَتْ نَفْسَهُ صَغُرَتِ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ: آن که نفسش کریم شد، حقیر می شود دنیا در چشم او (غررالحکم و درر الکلم: ۶۶۳).

۱۲ - مَن شَرَفَتْ نَفْسَهُ نَزَّهَتْ عَنْ دَنَاءَةِ الْمَطَالِبِ: هر که بلندمرتبه باشد نفس او، پاک گرداند آن را از پستی مطلبها (خواهشها)؛ یعنی مطلبهای دنیوی (شرح خوانساری بر غررالحکم و دررالکلم، ج ۵: ۳۳۵).

۱۳ - مَن هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ: اگر کسی احساس بزرگواری را در خودش از دست بدهد، یعنی خود را به عنوان یک موجود بزرگووار حس نکند از شر او بترس؛ از شر او ایمن مباش. حضرت امام هادی (ع) (تحف العقول: ۴۸۳) (مفهوم متضاد).

- ۲۵ - مَعْرِفَةُ النَّفْسِ أَنْفَعُ الْمَعَارِفِ (همان: ۲۳۲).
- ۲۶ - لَا تَجْهَلْ نَفْسَكَ فَإِنَّ الْجَاهِلَ مَعْرِفَةَ نَفْسِهِ جَاهِلٌ بِكُلِّ شَيْءٍ: نسبت به خودت جاهل نباش؛ زیرا کسی که نسبت به شناخت خودش جاهل باشد نسبت به همه چیز نادان است (همان: ۲۳۳).
- گروه چهارم: مدلول این گروه کرامت اکتسابی است.
- ۲۷ - مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا: کسی که در پی کسب عزت درآید (آنکه خواهان عزت است) بداند که همه عزت نزد خدا است (فاطر/ ۱۰).
- ۲۸ - إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ: کرامت نزد خدا تنها به تقوی است و گرامیترین شما باتقواترین شما است (حجرات/ ۱۳).
- ۲۹ - وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ: عزت مخصوص خدا و رسول و اهل ایمان است (منافقون/ ۸).
- ۳۰ - أَلَا إِنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا: همانا بهایی برای جان شما جز بهشت نیست؛ پس به کمتر از آن نفروشید (نهج البلاغه، حکمت ۴۵۶:۵۲۸).
- ۳۱ - إِنَّ مَنْ بَاعَ نَفْسَهُ بِغَيْرِ الْجَنَّةِ فَقَدْ عَظُمَتْ عَلَيْهِ الْمِخْنَةُ: همانا کسی که بفروشد نفسش را به چیزی جز بهشت پس همانا رنج و محتشش عظیم می شود (تصنیف غررالحکم و درر الکلم: ۲۳۲).
- ۳۲ - من أطاع الله سبحانه، عز و قوی: امام علی «ع»: هر که اطاعت خدای سبحان کند، عزیز و نیرومند خواهد شد (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۶۹۶).
- ۳۳ - أَعَزَّ أَمْرُ اللَّهِ يَعِزُّكَ اللَّهُ: کار خدا را عزیز دار تا خدایت عزیز کند (نهج الفصاحه: ۲۲۱).
- ۳۴ - كُلُّ عِزٍّ لَيْسَ بِاللَّهِ فَهُوَ ذَلٌّ: پیامبر (ص) فرمود هر عزتی که از خدا نیست، خواری است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۶، ج ۲: ۵۹۱).
- ۳۵ - الکریم من تجنّب المحارم و تنزّه عن العیوب: کریم یعنی گرامی و بلندمرتبه کسی است که دوری گزیند از حرامها و پاک باشد از عیبهها؛ یعنی از صفات ذمیمه و اخلاق نکوهیده که عیبهای آدمی است (شرح خوانساری بر غررالحکم، ج ۲: ۴).
- ۳۶ - الْخَيْرُ كُلُّهُ صِيَانَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ: امام سجاد (ع): تمام خیرها در این است که انسان نفس خودش را صیانت کند (تحف العقول النص: ۲۷۸).
- ۳۷ - العزیز بغیر الله ذلیل: امام علی (ع): عزیز غیر خدایی ذلیل است (میزان الحکمه).
- ۳۸ - لَا كَرَمَ إِلَّا بِتَقْوَى: برتری نیست مگر به پرهیزکاری (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴: ۱۶۸).

۳۹- هرگاه جویای عزت باشی آن را به طاعت (از خدا) بجوی امام علی (ع)، (میزان الحکمه).

۴۰- هیچ کرامتی عزیزتر از تقوا نیست / هیچ عزتی بالاتر از تقوا نیست (میزان الحکمه).

کرامت ذاتی

دسته اول از آیات و روایات به کرامت ذاتی انسان اشاره دارد. این گروه از آیات و روایات، آدمی را به دلیل روح الهی و عقل و فطرت، برخوردار از کرامت (ذاتی) می‌داند. بر این اساس «کرامت و عزت و بزرگواری جزئی از سرشت انسان و در سرشت انسان است» (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۲۲: ۶۶۶)؛ به عنوان نمونه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ ...» و «أَكْرَمَ نَفْسِكَ عَنْ كُلِّ دِينَةٍ وَإِنْ سَأَقْتَكِ إِلَى الرَّعَائِبِ فَإِنَّكَ لَنْ تَغْتَاضَ بِمَا تَبْدُلُ مِنْ نَفْسِكَ عَوْضًا وَلَا تَكُنْ عَبْدًا غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا». امام علی (ع) در وصیت به فرزند بزرگوارش امام مجتبی (ع) می‌نویسد: پسر! نفس خود را گرامی و محترم بدار از اینکه به پستی دچار بشود؛ زیرا اگر از نفس خود چیزی را باختی و از دست دادی، دیگر هیچ چیز نمی‌تواند جای آن را پر کند (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

صریحترین آیه قرآن کریم، که از کرامت ذاتی انسان حکایت دارد، آیه شریفه «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ ...» است. این آیه در مقام بیان کرامت انسانی برای عموم بشر است که خداوند زمینه آن را برای همه فراهم کرده است و اشاره‌ای به کرامت خاص ندارد که مخصوص گروه خاصی است (مؤدب، ۱۳۸۶). در اندیشه مطهری (۱۳۸۶، ج ۲۲: ۶۶۷) مقصود از آیه این است که خداوند در آفرینش، انسان را مکرم قرار داده است؛ یعنی این کرامت و شرافت و بزرگواری را در سرشت و آفرینش انسان قرار داده است.

مقصود از کرامت ذاتی «این است که خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده که در مقایسه با برخی موجودات دیگر، از لحاظ ساختمان وجودی از امکانات و مزایای بیشتری برخوردار است و یا تنظیم ساختار امکاناتش به شکل بهتر صورت پذیرفته است. در واقع، این نوع کرامت حاکی از عنایت ویژه خداوند به نوع انسان است و همه انسانها از آن برخوردارند» (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۱۸). علامه طباطبایی (۱۴۱۷، ج ۱۳: ۲۱۷) این نوع تکریم را ناظر به یک دسته از موهبت‌های الهی دانسته است که به انسان داده شده؛ به نظر ایشان، تکریم انسان به دادن عقل به وی است که به هیچ موجودی دیگر داده نشده و انسان به وسیله آن خیر را از شر و نافع را از مضر و نیک را از بد تمیز می‌دهد.

حضرت امام خمینی (ره) به استناد آیات قرآن از جمله مبانی کرامت انسان را ساختار معرفتی و سپس جلوه رحمت و خلیفه‌اللهی انسان، ویژگی حقیقت‌جویی و کمال و سعادت طلبی او می‌داند (مؤدب، ۱۳۸۶). برخی نیز این نوع کرامت را به جنبه ملکوتی و نفخه‌الهی نسبت می‌دهند (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۱۳: ۷۳۹).

در مجموع می‌توان چنین نتیجه گرفت که «نوع انسان به دلیل نعمت روح الهی و عقل و فطرت، که شئون این روح است، ذاتاً کرامت دارد؛ به عبارت دیگر نوع بشر به دلیل چگونگی آفرینش از سوی خدای متعال واجد تکریم شمرده شده است و به خودی خود کرامت دارد. نوع انسان از کرامت ذاتی، تکوینی و یا اعطایی برخوردار است و بنابراین بدین سبب کسی را بر کسی برتری نیست یعنی این کرامت جنبه ارزشی ندارد»^(۲).

سایر روایاتی که به کرامت ذاتی انسان اشاره دارد:

لَا تَكُنْ عَبْدًا غَيْرِكُ وَ قَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: بنده دیگری مباش؛ زیرا خداوند تو را آزاد آفریده است. این روایت با اشاره به کرامت ذاتی انسان، می‌خواهد با توجه دادن فرد به آن، وی را در مسیر کمال صحیح قرار دهد؛ هم‌چنین است: إِنَّهُ لَيْسَ لِنَفْسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ (کرامت ذاتی)، فَلَا تَبِعُوهَا إِلَّا بِهَا (کرامت اکتسابی) (حکمت ۴۵۶: ۵۲۸): همانا بهایی برای جان شما جز بهشت نیست؛ پس به کمتر از آن نفروشیدش. بخش اول اشاره دارد به اینکه نفس انسان بهایی دارد و از منزلتی برخوردار است؛ پس باید این گوهر با ارزش را در عوض چیزی که در شأن خودش باشد، فروخت و آن فقط بهشت است؛ یعنی با اشاره به کرامت تکوینی انسان راه کرامت ارزشی را به وی نشان می‌دهد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «ثامن بالنفس النفسية ربها و ليس لها في الخلق كلهم ثمن»: «بهای نفس گرانبها را پروردگارش می‌داند که قیمتی برای آن در تمام آفرینش نیست» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، باب ۲۱: ۱۲۵).

احساس کرامت نفس

گروه دوم از روایات به بیان نتایج و یا بهره‌های توجه به کرامت (کرامت ذاتی) می‌پردازد. در اثر این توجه انسان شرافت و کرامت خود را فطرتاً دریافت می‌کند؛ چنانکه مطهری (۱۳۸۶، ج ۲: ۴۹۳) اشاره می‌کند احساس حس کرامت و شرافت، ذاتی انسان است و در هر انسانی بالفطره وجود

دارد. به تعبیر مطهری (۱۳۸۶، ج ۲۲: ۶۶۵) هر که نفس او برایش بزرگوار بود، دنیا در نظرش کوچک می‌شود... انسان اگر کرامت نفس خودش را دریابد و احساس کند، تمام دنیا در نظرش خوار و کوچک است.

اگرچه «حس کرامت و شرافت ذاتی در هر انسانی بالفطره وجود دارد» (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۲: ۴۹۳) از مضمون برخی روایات این نکته دریافت می‌شود که توجه دادن (مربی) و یا توجه کردن (متربی) به این امر فطری لازم است تا ثمره آن که دوری از شهوات و عوامل ذلت نفس است به دست آید. در واقع، احساس کرامت و شرافت (کرامت ذاتی) (که نتیجه توجه و معرفت به کرامت ذاتی انسان است) در متربی به عنوان عاملی انگیزشی برای دوری از رذایل و پستی‌ها و دوری از هر آن چیزی است که با گوهر نفیس نفس تناسب ندارد و حرکت به سوی قله‌های کمال و تحصیل فضایل و اهداف عالی عمل می‌کند؛ به عنوان نمونه «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَاتُهُ» (نهج البلاغه، حکمت ۴۴۹): آن که در خود احساس کرامت و بزرگواری بکند، مخالفت با شهوات حیوانی برای او آسان است و هوا و هوس را خوار شمارد و یا «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يُهِنِّهَا بِالْمَعْصِيَةِ» هر که گرامی باشد بر او نفس او، خوار نگرداند آن را به نافرمانی حق تعالی؛ یعنی کسی که در نظر خود کرامت و شرافت دارد (احساس کرامت نفس می‌کند)، نمی‌گذارد که به سبب نافرمانی، خوار گردد (شرح خوانساری، ج ۵: ۳۵۷) و یا «مَنْ كَرُمَتْ نَفْسُهُ صَغُرَتْ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ» هر که گرامی باشد برای او نفسش، دنیا در چشم او کوچک است (غررالحکم و درر الکلم: ۶۶۳) و یا «أَلَا إِنَّهُ لَيْسَ لِنَفْسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِعُوهَا إِلَّا بِهَا: همانا بهایی برای جان شما جز بهشت نیست؛ پس به کمتر از آن نفروشیدش (تصنیف غررالحکم: ۲۳۲)». بر این اساس ایجاد و احیای احساس کرامت نفس به دوری از شهوات و تباه نکردن نفس برای امور پست منجر می‌شود.

اگرچه پیش از توجه به کرامت ذاتی نیز احساس نیاز به تکریم در انسان هست بر مبنای این حدیث پس از درک و دریافت آگاهانه نسبت به کرامت ذاتی، احساس حقیقی کرامت نفس در انسان احیا می‌شود. توجه به متن احادیث این گروه ما را به این نکته رهنمون می‌کند که متن حدیث جمله شرطیه است و دلالت به تعلیق جزا (هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَاتُهُ) بر شرط (مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ) دارد؛ پس حکم جزا معلق است بر تحقق شرط؛ یعنی تحقیر شهوات (جزا) وقتی حاصل می‌شود که احساس کرامت نفس (شرط) موجود شود. از سوی دیگر احکام فطری به امری اکتسابی معلق نیست؛ به عبارت دیگر احساس کرامت نفس، اکتسابی است که در اثر توجه به کرامت ذاتی حاصل

می‌شود. اگرچه احساس نیاز به تکریم در انسان، فطری است برای برخوردار شدن از بهره‌های این نوع از احساس کرامت نفس، که در روایت بیان شده است، متربی باید این احساس را اکتساب کند.

سایر روایات

مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنْ شَرَّهُ حضرت امام هادی(ع) می‌فرماید: اگر کسی احساس بزرگواری را در خودش از دست بدهد، یعنی خود را به‌عنوان یک موجود بزرگوار حس نکند از شر او بترس و از شر او ایمن مباش (تحف‌العقول: ۴۸۳). عدم احساس کرامت نفس (احساس ذلت نفس) به ضرور بودن شخص منجر می‌شود. مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَرْجُ خَيْرَهُ. هر که نزد خود خوار باشد (احساس کرامت نکند)، پس امید مدار خیر او را (تصنیف غررالحکم و درر الکلم: ۲۶۳). مَا كَرُمْتَ عَلَى عَبْدٍ نَفْسُهُ إِلَّا هَانَتْ الدُّنْيَا فِي عَيْنِهِ (عیون‌الحکم و المواعظ: ۴۸۲): هیچ بنده‌ای نفسش نزد او بزرگوار نشد مگر اینکه دنیا در چشم او خوار شد. من کرامت نفس صغرت الدنیا فی عینه (غررالحکم: ۶۶۳): آن که نفسش کریم شد، حقیر می‌شود دنیا در چشم او. درک کرامت ذاتی احساس بزرگواری در انسان احیا می‌کند و در نتیجه امور دنیوی (فانی) در نگرش او حقیر جلوه خواهد کرد. من شرفت نفسه نزهها عن دناءة المطالب: هر که بلندمرتبه باشد نفس او، پاک گرداند او را از پستی مطلبها (خواهشها)؛ یعنی مطلبهای دنیوی (شرح خوانساری، ج ۵: ۳۳۵). اَكْرِمْ نَفْسَكَ عَنْ كُلِّ دَنِيَّةٍ وَ اِنْ سَافَتَكَ اِلَى الرَّغَائِبِ فَانْكُ لَنْ تَعْتَاضَ بِمَا تَبْدُلُ مِنْ نَفْسِكَ عَوَضًا: نفس خود را گرامی و محترم بدار از اینکه به پستی دچار بشود؛ زیرا اگر از نفس خود چیزی را باختی و از دست دادی دیگر هیچ چیز نمی‌تواند جای آن را پر کند (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱). با توجه به کرامت ذاتی خویش از پستی‌ها دوری کن (احساس ارزشمندی باعث دوری از پستی‌ها می‌شود).

برحسب کلام امیرالمؤمنین(ع) اگر کسی در روح خود احساس شرافت و بزرگواری بکند برای او شهوترانی و دنبال هوای نفس رفتن کار منفوری است و نرفتنش کاری آسان [و برحسب کلام امام هادی(ع)] برعکس، آن کسی که این احساس در او نیست و در خود احساس نمی‌کند که من کسی هستم، شخصیتی هستم، شرافتی دارم، بزرگواری‌ای دارم، آن کسی که این احساس را باخت، همه چیز را باخته است، فَلَا تَأْمَنْ شَرَّهُ (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۲۲: ۴۱۰). انسان چون روح ملکوتی است، جنسش جنس عظمت است؛ [زیرا] جنس ملکوت عظمت است. وقتی انسان خود ملکوتی را احساس کند، تن به حقارت نمی‌دهد: مَنْ كَرُمْتَ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَاتُهُ. اینکه مکرر داشتیم

که هرکس کرامت نفس خودش را احساس کند تن به ذلت نمی‌دهد به همین دلیل است. انسان وقتی که آن «خود»ش را که از عالم عظمت و عین عظمت است، احساس می‌کند به حقارت تن نمی‌دهد (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۲۲: ۴۲۱). اللّٰئیم لا یستحیی، عدم احساس کرامت به بی‌حیایی منجر می‌شود.

خلاصه اینکه احساس کرامت نفس، محرکی قوی در تربیت اخلاقی به شمار می‌رود؛ زیرا انسانی که احساس کرامت نفس در او احیا بشود یعنی به بزرگواری و عظمت نفس خود (کرامت ذاتی) توجه کند، تن زدن از امور فانی و پست، نیز دوری از شهوات و رذایل اخلاقی برای او آسان می‌شود و میل او به فضایل و کمال حقیقی شدت خواهد گرفت.

خودشناسی

گروه سوم، روایاتی است که در باب مسئله «خودشناسی»^(۳) یعنی شناخت قدر و منزلت خویش در نظام هستی و شناخت استعدادها و نیروهای درونی، هدف و کمال نهایی انسان، بحث می‌کند. تأکید این روایات بر شناخت خود به دلیل درک قدر و منزلت و ارزش خویش است تا انسان بر اثر این شناخت که به نظر می‌آید، همان معرفت به کرامت ذاتی آدمی (یا معرفت به عوامل کرامت ذاتی آدمی) است از آثار این معرفت که در بند قبل بیان شد برخوردار شود^(۴)؛ به‌عنوان نمونه مَنْ عَرَفَ قَدْرَ نَفْسِهِ لَمْ يُهِنِّهَا بِالْفَانِيَاتِ (تصنیف غررالحکم: ۲۳۲) طبق روایاتی که در بخش قبلی ذکر شد، کسی که در خود احساس کرامت می‌کند خود را به معاصی و شهوات آلوده نمی‌کند و بهای نفس خود را امور فانی و پست نمی‌داند؛ بلکه بهای نفس خود را بهشت می‌داند و برعکس انسانی که احساس کرامت نفس ندارد (لثیم)، شرور و گستاخ در گناه می‌شود^(۵).

در اینجا روایت برای کسی که قدر و ارزش نفس خود را بداند (بشناسد)، همان ثمراتی را بیان می‌کند که برای آن که احساس کرامت نفس می‌کند، برمی‌شمارد. بنابراین می‌شود نوعی رابطه میان احساس کرامت نفس و شناخت قدر و ارزش نفس (منزلت نفس) را نتیجه گرفت؛ به عبارت دیگر پدیده‌ای که اتفاق می‌افتد (کمال طلبی و دوری از امور فانی) هم به «مَنْ عَرَفَ قَدْرَ نَفْسِهِ» (خودشناسی) نسبت داده شده است و هم به «مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ» (احساس کرامت نفس).

با توجه به اینکه احساس کرامت نفس در پی توجه به کرامت ذاتی نفس انسان به دست می‌آید

و آگاهی از کرامت ذاتی آدمی نیز بر شناخت عواملی متوقف است که در ساختار وجودی انسان نهاده شده است، همین عوامل سبب قدر و منزلت نفس انسان است؛ پس «شناخت عوامل منزلت انسان» یا همان «شناخت عوامل کرامت ذاتی انسان» (خودشناسی) به احیای احساس کرامت نفس در انسان منجر می‌شود و زمینه‌دوری از عوامل ذلت نفس و اشتیاق را برای تحصیل عوامل عزت نفس در وی فراهم می‌کند و این سه در طول یکدیگر واقع می‌شود؛ به عبارتی دیگر از مضمون روایات و نکات مفسران دریافت می‌شود که آنچه مایه کرامت نفس است، همان است که مایه ارزش و منزلت نفس است و علت کرامت نفس عواملی است که در بخش کرامت ذاتی ذکر شد. نیز اشاره شد که احساس کرامت نفس در پی توجه و یا شناخت این عوامل به دست می‌آید؛ پس شناخت عوامل کرامت آدمی (یا همان شناخت عوامل قدر و منزلت نفس)، احساس کرامت نفس را احیا می‌کند و این احساس انسان را در فرایند اصلاح نفس برمی‌انگیزاند.

مطهری (۱۳۸۶، ج ۲۲: ۶۷۱) در این زمینه می‌نویسد: «وقتی می‌خواهند انسان را به اخلاق حسنه سوق دهند، او را به یک نوع درون‌نگری متوجه می‌کنند که خودت را، آن خود عقلانی را، آن حقیقت وجودی خودت را با درون‌نگری کشف کن؛ آن گاه احساس می‌کنی که شرافت خودت را دریافته‌ای. وقتی انسان را به باطن ذاتش سوق می‌دهند، وقتی انسان خودش را می‌بیند [شرافت و کرامت خویش را احساس می‌کند]، این دیگر درس نمی‌خواهد؛ از همین جا الهام می‌گیرد؛ یعنی احساس می‌کند که پستی و دنائت با این جوهر عالی سازگار نیست؛ ... این است که انسان با نوعی معرفه‌النفس با توجه به نفس، الهامات اخلاقی را دریافت می‌کند».

شناخت نفس، که در واقع شناخت قدر و منزلت نفس است، شناخت استعدادها و نیروهای روحی انسان است؛ همان استعدادها و امکاناتی که مایه کرامت ذاتی انسان است و توجه به کرامت ذاتی و مایه‌های این نوع کرامت، احساس کرامت نفس را در انسان احیا می‌کند.

بنابراین نوعی رابطه طولی میان معرفت نفس (یا شناخت ارزش نفس) و احساس کرامت نفس اثبات می‌شود؛ یعنی شناخت نفس به احیای احساس کرامت نفس منجر می‌شود. پس در مسیر احیای احساس کرامت نفس، خودشناسی هدف واسطی تلقی می‌شود. بر این اساس برای احیای احساس کرامت نفس در مرتبه، باید بینش و معرفت وی را نسبت به نفس او متحول کرد؛ یعنی مرتبه باید معرفت نفس کسب کند.

سایر روایات

من عرف شرف معناه صانه عن دناءة شهوته و زور مناه: هر که بشناسد شرف مقصد (غایت زندگی) خود را نگاه دارد آن او را از پستی خواهش خود و دروغ آرزوهای خود. هَلْكَتْ أَمْرٌ لَمْ يَعْرِفْ قَدْرَهُ: ناپود شد کسی که ارزش خود را ندانست (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۹: ۴۷۲). نداشتن معرفت نفس، که به عدم اطلاع از کرامت ذاتی منجر می شود، باعث عدم احساس کرامت نفس و در نتیجه منجر به هلاکت می شود. أَلْعَالِمُ مَنْ عَرَفَ قَدْرَهُ وَ كَفَى بِالْمَرْءِ جَهْلًا أَلَّا يَعْرِفَ قَدْرَهُ: دانا کسی است که قدر خود را بشناسد و در نادانی انسان این بس که ارزش خویش را نداند (همان، خطبه ۱۰۳: ۱۳۴). الامام علی «ع»: من جهل قدره جهل کل قدر. امام علی (ع) هر که قدر خود نداند، هیچ قدری را نخواهد دانست (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۱۴). لَأَنْتَجَهْلُ نَفْسَكَ فَإِنَّ الْجَاهِلَ مَعْرِفَةَ نَفْسِهِ جَاهِلٌ بِكُلِّ شَيْءٍ (تصنیف غررالحکم: ۲۳۳): نسبت به خودت جاهل نباش؛ زیرا کسی که نسبت به شناخت خودش جاهل باشد نسبت به همه چیز نادان است.

کرامت اکتسابی

گروه چهارم آیات و روایاتی است که کرامت اکتسابی (عزت) را وصف، و یا مسیر تحصیل آن را تعیین می کند. مفهوم کرامت اکتسابی با عنوان «عزت» در بسیاری از آیات قرآن کریم بحث شده است^(۶). چنانکه اشاره شد آدمی با شناخت نفس خویش به کرامت ذاتی خود پی می برد و از آنجا که حب نفس دارد، فطرتاً برترین کمال یا کمال و کرامت حقیقی و نهایی را برای نفس خود می طلبد. این دسته از آیات و روایات این کمال و کرامت حقیقی (عزت) را به آدمی معرفی می کند و راه تحصیل آن را نشان می دهد.

«مقصود از کرامت اکتسابی دستیابی به کمالهایی است که انسان در پرتوی ایمان و اعمال صالح اختیاری خود به دست می آورد. این نوع کرامت برخاسته از تلاش و ایثار انسان و معیار ارزشهای انسانی و ملاک تقرب در پیشگاه خداوند است. با این کرامت است که می توان انسانی را بر انسان دیگر برتر دانست. همه انسانها استعداد رسیدن به این کمال و کرامت را دارند، ولی برخی به آن دست می یابند و برخی از آن بی بهره می مانند» (مصباح یزدی، ۱۳۸۰: ۱۸)؛ به عنوان نمونه آیات و روایات مبین کرامت اکتسابی: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا» (فاطر / ۱۰): کسی که در پی

کسب عزت است، بدانند که همه عزت همه نزد خدا است. «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون / ۸) «كُلُّ عِزٍّ لَيْسَ بِاللَّهِ فَهُوَ ذَلٌّ» پیامبر(ص) فرمود: هر عزتی که از خدا نیست خواری است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۵۹۱).

برخی مسیر و شیوه دستیابی به کرامت اکتسابی را بیان می‌کند: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ» (حجرات / ۱۳) بر اساس این آیه تقوا راه تحصیل کرامت اکتسابی است. به عقیده مفسران (جوادی آملی، ۱۳۶۷) تقوا در قرآن محور کرامت برشمرده شده و تقوا خود محصول معرفت و عمل صالح است (جوادی آملی، ۱۳۶۷: ۴۶). بودن و نبودن کرامت (اکتسابی)، تابع داشتن و نداشتن تقواست و میزان و شدت و ضعف آن نیز بر اساس شدت و ضعف تقوا تعیین می‌شود (همان: ۴۸). «من أطاع الله سبحانه، عز و قوی» امام علی(ع) فرمود هر که اطاعت خدای سبحان کند، عزیز و نیرومند خواهد شد (الحیاء، ج ۱: ۶۹۶). «... أَنَّهُ لَيْسَ لِأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ، فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا (نهج البلاغه، حکمت ۴۵۶: ۵۲۸). كُلُّ عِزٍّ لَيْسَ بِاللَّهِ فَهُوَ ذَلٌّ» پیامبر(ص) فرمود هر عزتی که از خدا نیست خواری است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۵۹۱). لَأَكْرَمَ إِلَّا بِتَقْوَى: برتری نیست مگر به پرهیزکاری (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴: ۱۶۸).

کرامت اکتسابی در سایه شکوفا شدن مایه‌های کرامت ذاتی انسان به دست می‌آید. برخی مفسران (جوادی آملی، ۱۳۶۷) با استناد به آیه ۱۳ سوره حجرات مایه کرامت اکتسابی انسان را تقوا می‌دانند. بر این اساس هر که برمدار و محور تقوا حرکت کند کریم می‌شود و بدون تقوا این نوع کرامت به دست نخواهد آمد (همان: ۴۰). کرامت اکتسابی یا کرامت عندالله بر راهور تقوا تکیه دارد. هر چه توشه تقوای انسان فزونی یابد، انسان در رسیدن قرب الهی موفقتر خواهد بود و نزد خداوند، گرامی‌ترین افراد انسان، کسی است که از تقوا بهره بیشتری اندوخته باشد و این میسر می‌شود با علم و عمل صالح و ایمان کامل (یداله‌پور، ۱۳۸۸).

خلاصه اینکه ملاک و معیار برتری انسانها کرامت اکتسابی است که با شکوفایی مایه‌های کرامت ذاتی به دست می‌آید. کرامت اکتسابی بر محور تقوای الهی معنا می‌یابد و به کمک ایمان و عمل صالح تحصیل می‌شود.

الگوی تربیت اخلاقی بر محور کرامت

بر اساس آنچه در بخش تحلیل آیات و روایات ذکر شد، الگوی زیر در باب تربیت اخلاقی بر محور کرامت آدمی قابل پیشنهاد است:

بخش مبانی

مبانی تعلیم و تربیت اسلامی، گزاره‌هایی خبری یا توصیفی است که یا بدیهی است و یا از دانشهایی دیگر به عاریت گرفته، و برای تعیین اهداف، اصول، روشها و دیگر عناصر تعلیم و تربیت اسلامی به کار گرفته می‌شود (فتحعلی، مصباح و یوسفیان، ۱۳۹۰). در این پژوهش گزاره‌هایی که به‌عنوان مبنا لحاظ خواهد شد یا عقلی، و یا گزاره‌هایی است که از متن قرآن و حدیث به‌گونه‌ای برهانی قابل استنباط است.

مبنای اول: نوع انسان به خودی خود کریم است؛ یعنی انسان از کرامت ذاتی برخوردار است. چنانکه در بخش کرامت ذاتی ذکر شد از مجموع داده‌های قرآنی و روایی این نکته به دست آمد که «نوع انسان به دلیل نعمت روح الهی و عقل و فطرت، که شئون این روح است، ذاتاً کرامت دارد؛ به عبارت دیگر نوع بشر به دلیل چگونگی آفرینشش از سوی خدای متعال واجد تکریم شمرده شده و به خودی خود کرامت دارد». خلاصه این نکته در قالب یک گزاره توصیفی انسان‌شناسانه قابل بیان است: نوع انسان به خودی خود کریم است؛ یعنی انسان از کرامت ذاتی برخوردار است.

مبنای دوم: احساس کرامت نفس، عامل انگیزشی اساسی (مؤثر و محوری) در تربیت اخلاقی است. چنانکه در بخش احساس کرامت نفس ذکر شد، «احساس کرامت نفس، محرکی قوی در تربیت اخلاقی به شمار می‌رود؛ زیرا انسانی که احساس کرامت نفس در او احیا بشود یعنی به بزرگواری و عظمت نفس خود (کرامت ذاتی) توجه کند، تن زدن به امور فانی و پست و نیز دوری از شهوات و رذایل اخلاقی برای او آسان می‌شود و میل او به فضایل و کمال حقیقی شدت خواهد گرفت».

مبنای سوم: احساس کرامت نفس به خودشناسی یا معرفت نفس منوط است. بر اساس داده‌های بخش خودشناسی، معرفت به‌قدر و منزلت نفس (خودشناسی)، معرفت به کرامت ذاتی آدمی (عامل احساس کرامت نفس) است؛ بنابراین نوعی رابطه طولی میان معرفت

نفس (یا شناخت ارزش نفس) و احساس کرامت نفس اثبات می‌شود؛ یعنی شناخت نفس به احیای احساس کرامت نفس منجر می‌شود. شناخت نفس، که در واقع شناخت قدر و منزلت نفس است، شناخت استعدادها و نیروهای روحی انسان است؛ همان استعدادها و امکاناتی که مایه کرامت ذاتی انسان است و توجه به کرامت ذاتی و مایه‌های این نوع کرامت، احساس کرامت نفس را در انسان احیا می‌کند.

مبنای چهارم: ۱ - کمال و کرامت اصیل آدمی در گروی شکوفایی عوامل کرامت ذاتی و تحصیل کرامت اکتسابی است. ۲ - انسان خواهان اکتساب کرامت مضاعف (عزت) است. با عنایت به اینکه انسان نه تنها خود را دوست دارد (فطری بودن حب ذات) بلکه در درون خویش شوق و میلی فطری به سوی کمال و تعالی خود می‌یابد (حب کمالات از شئون حب ذات است). انسان به دلیل اینکه کمالاتش را دوست دارد، اراده می‌کند هر عملی را که به نظرش در تکامل او نقش مثبت دارد، انجام دهد و این اراده در واقع تبلور یافته همان حب ذات آدمی به خود و اشتیاق نسبت به تعالی مداوم آن است. یکی از ویژگی‌های این میل و شوق فطری نیز نامتناهی بودن آن است؛ یعنی آدمی خواهان کمال مطلق است (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰: ۴۹). محبت انسان به خود موجب می‌شود انسان در اندیشه بر آوردن مصالح خویش باشد و بکوشد مفسد و امور زیان‌آور را از خود دور سازد. هرگاه چیزی را شناسیم، نیازهای آن و امور زیان‌آور به آن را نمی‌توانیم بشناسیم. محبت به خود فقط با حفظ و نگهداری «خود» ارضا نمی‌شود. انسان خود را در بهترین و کاملترین شکل می‌خواهد؛ یعنی دوست دارد هر کمالی را در خود تحقق بخشد و هرگاه کمالی از کمالات ممکن برای خود را در خود نامحقق یابد؛ از وضع موجود خود ناراضی می‌شود و درصدد تکمیل وجود خویش برمی‌آید. کمال خواهی پایان‌ناپذیر انسان در عین احساس فقر و نیازمندی است. پس انسان بر خود لازم می‌بیند که کمال ممکن برای خویش را بشناسد تا بتواند در جهت کمال خود گام بردارد و کمالاتی نیافتنی را طلب نکند و به چیزی کمتر از آنچه برای او ممکن است، رضا ندهد. شناخت کمال نهایی خود، فرع شناخت خود است (فتحعلی‌خانی، ۱۳۸۶).

اسلام کمال حقیقی انسان را به وی نشان می‌دهد و از آنجا که «انسان دارای حب ذات است (فطرتاً خود را دوست دارد) نیز انسان همواره در پی دستیابی به کمال است (چون خود را دوست دارد کمالات خود را نیز دوست دارد و خواهان آنهاست). انسان فطرتاً بی‌نهایت کمال طلب است»

(فتحعلی، مصباح و یوسفیان ۱۳۹۰: ۱۷۵ و ۱۷۶)؛ بنابراین طبق گزاره‌های دینی و عقلی:
 ۱ - کمال و کرامت اصیل آدمی در گروی شکوفایی عوامل کرامت ذاتی و تحصیل کرامت اکتسابی است.

۲ - انسان خواهان اکتساب کرامت مضاعف (عزت) است^(۷).

مبنای پنجم: تحصیل کرامت اکتسابی تابع تقوای الهی و اطاعت و بندگی خداوند متعال است. بر اساس آنچه در بند کرامت اکتسابی ذکر شد، نوع بشر از کرامت ذاتی برخوردار است و در این رابطه کسی را بر کسی برتری نیست؛ به عبارتی دیگر این نوع کرامت جنبه ارزشی ندارد. ملاک و معیار برتری انسانها کرامت اکتسابی است که با شکوفایی مایه‌های کرامت ذاتی به دست می‌آید؛ کرامت اکتسابی نیز بر محور تقوای الهی معنا می‌یابد و به کمک ایمان و عمل صالح تحصیل می‌شود.

اهداف

هدف نهایی: تحصیل کرامت اکتسابی

اهداف واسطی: ۱ - خودشناسی ۲ - احیای احساس کرامت نفس ۳ - تقوا

چنانکه در مباحث گذشته ذکر شد، کرامت اکتسابی (عزتمند شدن) معیار و ملاک قرب الهی، و هدف واسطی مهم تربیت اخلاقی در تعلیم و تربیت اسلامی است.

اشاره شد که از یک حیث کرامت، فضیلت اخلاقی بسیار مهمی به شمار می‌آید و معیار اصلی قرب الهی است که از آن تحت عنوان کرامت اکتسابی یاد می‌شود؛ بنابراین هدف مهم تربیت اخلاقی به شمار می‌رود. این وجه از کرامت نفس در آیات و روایات عموماً تحت عنوان عزت یاد شده است. اشاره شد که انسانها در این نوع کرامت برابر نیستند و کرامت اکتسابی تنها در سایه ایمان به خداوند و عمل صالح و بر محور تقوای الهی دست‌یافتنی است. «این نوع کرامت برخاسته از تلاش و ایثار انسان و معیار ارزشهای انسانی و ملاک تقرّب در پیشگاه خداوند است. با این کرامت است که می‌توان انسانی را بر انسان دیگر برتر دانست. همه انسانها استعداد رسیدن به این کمال و کرامت را دارند» (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۰: ۱۸)؛ بنابراین کرامت اکتسابی در الگوی مدنظر ما هدف نهایی به شمار می‌آید.

از دیگر سو اشاره شد که برای تحصیل کرامت اکتسابی باید عوامل کرامت ذاتی انسان شکوفا شود. نیز اشاره شد که احساس کرامت نفس، محرکی قوی در تربیت اخلاقی به شمار می‌رود؛

بنابراین به منظور تحصیل کرامت ارزشی از اولین گامهای مهم احیای احساس کرامت نفس است؛ پس باید احیای احساس کرامت نفس در تربیت اخلاقی با محوریت کرامت نفس، هدف واسطی تلقی شود.

چنانکه بیان شد، نوعی رابطه طولی میان معرفت نفس (یا شناخت ارزش نفس) و احساس کرامت نفس اثبات می‌شود و آن این است که شناخت نفس به احیای احساس کرامت نفس منجر می‌شود؛ بنابراین برای احیای احساس کرامت نفس نخست باید متربی فرایندی بینشی یا معرفتی را طی کند که از آن تحت عنوان خودشناسی یاد شد؛ پس از این حیث خودشناسی نیز هدف واسطی در الگوی مدنظر تلقی می‌شود.

چنانکه ذکر شد، محور اساسی تحصیل کرامت اکتسابی تقوای الهی است؛ بنابراین تقوا نیز به منظور دستیابی به کرامت نهایی و ارزشی گام واسطی تلقی می‌شود.

بنابراین در این بخش کرامت اکتسابی به‌عنوان معیار نهایی ارزیابی و ارزش‌گذاری انسان در الگوی تربیت اخلاقی با محوریت کرامت آدمی، هدف نهایی ذکر شد و در راستای تحقق این هدف، سه گام یا سه هدف واسطی بیان شد که به ترتیب از حیث تقدم و تأخر نسبت به هدف نهایی عبارت است از خودشناسی، احیای احساس کرامت نفس و تقوا.

بخش اصول

اصول گزاره‌های کلی و تجویزی است که از اهداف و مبانی به دست می‌آید و بر اساس مبانی، راهکارهایی برای رسیدن به اهداف تربیتی ارائه می‌کند و برای تعلیم و تربیت راهنمایی عملی به شمار می‌رود (فتحعلی، مصباح و یوسفیان، ۱۳۹۰). چنانکه خواهیم الگوی «الف ب ج» فرانکنا (باقری، ۱۳۸۷) را در استنتاج اصول الگوی مدنظر از تربیت اخلاقی به کار بگیریم، لازم است دو نوع گزاره‌های هنجارین و واقع‌نگر فراهم کنیم (همان). «گزاره‌های هنجارین که ماهیت تجویزی دارد، می‌تواند سه گونه باشد: ۱ - گزاره‌های مربوط به اهداف و اصول بنیادین تعلیم و تربیت ۲ - گزاره‌های مربوط به اینکه چه دانشها، مهارتها یا نگرشهایی را باید در جریان تعلیم و تربیت شکل داد. ۳ - گزاره‌های مربوط به روشها و شیوه‌های عملی که باید در تعلیم و تربیت به کار گرفت» (باقری، ۱۳۸۷: ۴۹).

گزاره‌های واقع‌نگر نیز شامل دو گونه است: «۱ - گزاره‌های مربوط به اینکه برای دست یافتن به اهداف بنیادین یا پیروی از اصول بنیادین، برخوردار شدن از چه دانشها، مهارتها یا نگرشهایی لازم

یا مناسب است. ۲ - گزاره‌های مربوط به اینکه برای کسب دانشها، مهارتها یا نگرشهای معین چه روشهایی مفید یا مؤثر است» (همان).

اصل اول: در فرایند تربیت اخلاقی باید نسبت به پاسداشت کرامت ذاتی متربی اقدام کرد.
مقدمه ۱: کرامت اکتسابی (عزتمند شدن) هدف واسطه مهمی برای تربیت اخلاقی است؛ پس برای دستیابی به تربیت اخلاقی باید متربی کرامت اکتسابی را به دست آورد.
مقدمه ۲: تحصیل کرامت اکتسابی در گروهی پاسداشت عوامل کرامت ذاتی انسان است.
نتیجه: در فرایند تربیت اخلاقی باید نسبت به پاسداشت کرامت ذاتی متربی اقدام کرد.
اصل دوم: در فرایند تربیت اخلاقی باید احساس شرافت و کرامت نفس در متربی به وجود آید.
مقدمه ۱: در جریان تربیت اخلاقی برای تسریع در حرکت اخلاقی متربی باید عوامل انگیزشی را احیا کرد.

مقدمه ۲: احساس کرامت نفس، عامل انگیزشی اساسی (مؤثر و محوری) در تربیت اخلاقی است.

نتیجه: در فرایند تربیت اخلاقی باید احساس شرافت و کرامت نفس در متربی به وجود آید.
اصل سوم: در فرایند تربیت اخلاقی باید متربی را نسبت به کرامت ذاتی (قدر و ارزش نفس) و مایه‌های این نوع کرامت آگاه کرد.
مقدمه ۱: برای تسریع در حرکت اخلاقی متربی باید عوامل انگیزشی مانند احساس کرامت نفس را در جریان تربیت اخلاقی احیا کرد.
مقدمه ۲: احساس کرامت نفس به خودشناسی یا معرفت به ارزش نفس و مایه‌های کرامت ذاتی منوط است.

نتیجه: در فرایند تربیت اخلاقی باید متربی را نسبت به قدر و ارزش نفس و کرامت ذاتی وی و مایه‌های این نوع کرامت آگاه کرد.

اصل چهارم: متربی باید نسبت به کمال حقیقی و راه تحصیل آن، که همان کرامت اکتسابی (عزت) است، شناخت حاصل کند.

مقدمه ۱: برای تحصیل کمال و کرامت اصیل آدمی، باید کمال و کرامت حقیقی به متربی شناسانده شود.

مقدمه ۲: کمال حقیقی انسان در تحصیل کرامت اکتسابی (عزت) است.

نتیجه: متربی باید نسبت به کمال حقیقی (کرامت اکتسابی) و راه تحصیل آن، شناخت حاصل کند.

اصل پنجم: برای دستیابی به کرامت اکتسابی باید متربی را به پروا پیشگی و عمل صالح برانگیخت.

مقدمه ۱: برای تحصیل کمال حقیقی، آدمی باید کرامت اکتسابی را به دست آورد.

مقدمه ۲: تحصیل کرامت اکتسابی تابع تقوای الهی و اطاعت و بندگی خداوند متعال است.

نتیجه: برای دستیابی به کرامت اکتسابی (کمال حقیقی) باید متربی را به پروا پیشگی (تقوای الهی) و عمل صالح (بندگی خداوند متعال) برانگیخت.

بخش روشها

برای استنتاج روشها علاوه بر استفاده از الگوی «ج د ه» فرانکنا (باقری، ۱۳۸۷) به منظور دستیابی به روشهایی جزئی تر و کاربردی تر در مواردی تنها تناسب روش با اصل، هدف و مبانی متناظر با آن مدنظر قرار گرفته است. عموماً این گونه روشها از روایات گرفته شده است. الگوی «ج د ه» مرکب از گزاره‌های هنجارین شماره ۲ و ۳ و گزاره واقع‌نگر شماره ۲ است (همان).

روش ۱: تکریم شخصیت متربی

مقدمه ۱: در فرایند تربیت اخلاقی باید نسبت به پاسداشت کرامت ذاتی متربی اقدام کرد.

مقدمه ۲: حفظ کرامت ذاتی متربی در گروهی تکریم شخصیت وی است.

نتیجه: در فرایند تربیت اخلاقی باید روش تکریم شخصیت را به کار گرفت.

روشهای همسو (جزئی) با این روش: انتخاب نام نیکو، احترام کردن در برخورد، محبت، شخصیت دادن به کودک و «سلام کردن» (حسینی‌زاده، ۱۳۹۰).

روش ۲: توجه دادن متربی به کرامت و شرافت نفسش

مقدمه ۱: در فرایند تربیت اخلاقی باید احساس شرافت و کرامت نفس در متربی به وجود آید.

مقدمه ۲: احیای احساس کرامت نفس در متربی، در گروهی توجه به قدر و ارزش نفس و

کرامت ذاتی وی و مایه‌های این نوع کرامت است.

نتیجه: در فرایند تربیت اخلاقی باید روش توجه دادن متربی به کرامت و شرافت نفسش را به

کار گرفت.

روشهای جزئی: تذکر، تغافل و «ترغیب و تشویق» (داودی، ۱۳۸۷)، تأیید در رفتار نیک،

زمینه‌سازی در محیط، تحقیر رذایل و تحسین فضایل.

روش ۳: تحول بینش مرتبی نسبت به جایگاه خود در نظام هستی

مقدمه ۱: در فرایند تربیت اخلاقی باید مرتبی را نسبت به قدر و ارزش نفس و کرامت ذاتی وی و مایه‌های این نوع کرامت آگاه کرد؛ به عبارتی بهتر مرتبی باید معرفت نفس کسب کند.
مقدمه ۲: معرفت نفس یا خودشناسی همان تحول بینش و معرفت مرتبی نسبت به منزلت نفس او در نظام هستی است.

نتیجه: در فرایند تربیت اخلاقی باید روش تحول بینش مرتبی نسبت به جایگاه خود در نظام هستی را به کار گرفت.

روشهای جزئی: توجه دادن به توانیها و استعدادهای فطری، آشنایی با مبدأ و مقصد انسان

روش ۴: ایجاد بینش در مرتبی برای درک کمال حقیقی

مقدمه ۱: مرتبی باید نسبت به کمال حقیقی و راه تحصیل آن، که همان کرامت اکتسابی (عزت) است، شناخت حاصل کند.

مقدمه ۲: انسان خواهان تحصیل کمال حقیقی است اما تحصیل کمال حقیقی در گروی شناخت و درک کرامت اکتسابی است.

نتیجه: در فرایند تربیت اخلاقی باید روش ایجاد بینش در مرتبی برای درک کمال حقیقی را به کار بست.

روشهای جزئی: اعطای بینش و «تعلیم حکمت» (باقری، ۱۳۸۵).

روش ۵: دعوت به ایمان، تعقل، عاقبت‌اندیشی، موعظه، عبادت، تبشیر و تنذیر

مقدمه ۱: برای دستیابی به کرامت اکتسابی باید مرتبی را به پروا پیشگی و عمل صالح برانگیخت.

مقدمه ۲: تقوا و عمل صالح در گروی ایمان، تعقل، تذکر، عبادت، تبشیر، تنذیر، موعظه و ... است.

نتیجه: برای دستیابی به تقوا و عمل صالح در تربیت اخلاقی باید انواع روشهای مؤثر مانند دعوت به ایمان، تعقل، تذکر، عبادت، تبشیر، تنذیر، موعظه را به کار بست.

نتیجه گیری

رویکرد قرآن و حدیث در باب کرامت آدمی، خاص و ویژه است. از این دیدگاه نوع انسان به جهازاتی تجهیز شده است که تکوینا بر سایر مخلوقات برتری یافته و به عبارتی دارای کرامت ذاتی است و سبب آن روح الهی و شئون آن مانند فطرت و عقل است. اما این برتری واجد ارزش اخلاقی نیست؛ زیرا در سایه افعال اختیاری انسان به دست نیامده است. ملاک و معیار اصیل برتری انسان، عزت و به عبارتی دیگر کرامت اکتسابی است که در سایه شکوفایی عوامل کرامت ذاتی و بر محور تقوای الهی قابل تحصیل است.

احساس کرامت نفس مبنای انگیزشی مهمی در فرایند تربیت اخلاقی است؛ زیرا انسانی که احساس کرامت نفس در او احیا بشود یعنی به بزرگواری و عظمت نفس خود (کرامت ذاتی) توجه کند، تن زدن از امور فانی و پست، نیز دوری از شهوات و رذایل اخلاقی برای او آسان می شود و میل او به فضایل و کمال حقیقی شدت خواهد گرفت. تأکید زیاد روایات بر این مفهوم، برخی اندیشمندان و مفسران را بر آن داشته است که احساس کرامت نفس را نقطه آغاز تربیت اخلاقی و نیز آن را محور تعلیم و تربیت اسلامی بنامند. این مهم در پرتوی توجه و شناخت کرامت ذاتی به دست می آید. به دلیل خودشناسی، احساس کرامت نفس در مرتبه احیا می شود و چون مرتبه فطرتا کمال طلب است، زمینه دوری از رذایل و امور پست و نامتناسب با نفس نفیس وی و دستیابی به کمال حقیقی برای او فراهم می شود.

شناخت نفس، که در واقع شناخت قدر و منزلت نفس است، شناخت استعدادها و نیروهای روحی انسان است؛ همان استعدادها و امکاناتی که مایه کرامت ذاتی انسان است. توجه به کرامت ذاتی و مایه های این نوع کرامت، احساس کرامت نفس را در انسان احیا می کند. بنابراین نوعی رابطه طولی میان معرفت نفس (یا شناخت ارزش نفس) و احساس کرامت نفس اثبات می شود؛ یعنی شناخت نفس به احساس کرامت نفس منجر می شود. بر این اساس برای احیای احساس کرامت نفس در مرتبه، باید بینش و معرفت وی را نسبت به نفس او متحول کرد یعنی مرتبه باید معرفت نفس کسب کند.

از دیگر حیث کرامت نفس، فضیلت اخلاقی بسیار مهمی به شمار می آید و معیار اصلی تقرب الهی است که این وجه از کرامت، کرامت اکتسابی نام گرفته است. بنابراین یک هدف مهم تربیت

اخلاقی به شمار می‌رود. از کرامت اکتسابی در آیات و روایات عموماً تحت عنوان عزت یاد شده است. اشاره شد که انسانها در این نوع کرامت برابر نیستند و کرامت اکتسابی تنها در سایه ایمان به خداوند و عمل صالح و بر محور تقوای الهی دست یافتنی است.

چنانکه انسان مایه‌های کرامت ذاتی (به معنای خدادادی و غیر اکتسابی) خود را به کار گیرد و آن را از قوه به فعل درآورد به کرامت اکتسابی نائل می‌شود؛ در غیر این صورت یعنی عدم به کارگیری عوامل حفظ و ارتقای کرامت ذاتی، این کرامت خدادادی خود را از دست می‌دهد و دچار خذلان و زیان ابدی خواهد شد. کرامت اکتسابی در پرتوی ایمان و عمل صالح و تقوا، که در واقع همان صیانت از کرامت ذاتی است به دست می‌آید و چون محصول سعی و تلاش خود آدمی است، معیار نهایی ارزش انسان و ملاک تقرب او در پیشگاه خداوند متعال است.

بی تردید مفهوم کرامت نفس به دلیل عمومیتی که در نوع آدمی دارد و عدم وابستگی آن به تجربه و موفقیت‌ها و شکست‌های روزانه، کارکرد اخلاقی بسیار عمیقی خواهد داشت و خود مولد افعال اخلاقی خواهد بود. در این پژوهش کارکرد کرامت نفس به طور کلی در تربیت اخلاقی مورد توجه قرار گرفت اما در واقع، کرامت نفس به عنوان مبنا نقش زمینه‌ای در تربیت اخلاقی دارد و با تکیه بر آن می‌توان به پاسداشت سایر مبانی تربیت اخلاقی امید داشت. در ادامه خلاصه الگو در قالب جدول آورده شده است:

الگوی تربیت اخلاقی اسلامی با محوریت کرامت نفس

مبانی	اهداف		اصول	روشها	
	واسطی	نهایی			
۱	احیای احساس کرامت نفس	کرامت اکتسابی	در فرایند تربیت اخلاقی باید کرامت ذاتی متربی را پاس داشت.	تکریم شخصیت متربی: نام نیک، سلام کردن، احترام، محبت و شخصیت دادن	
۲			در فرایند تربیت اخلاقی باید احساس شرافت و کرامت نفس در متربی به وجود آید.	توجه دادن متربی به کرامت نفسش: تذکر، تغافل، تشویق، تأیید رفتار نیک، زمینه‌سازی، تحقیر رذایل و تحسین فضایل	
۳			احساس کرامت نفس به خودشناسی یا معرفت نفس منوط است.	در فرایند تربیت اخلاقی باید متربی را نسبت به کرامت ذاتی و عواملش آگاه کرد.	تحول بینش متربی نسبت به جایگاهش در هستی: توجه دادن به تواناییها و فطریات و شناخت مبدأ و مقصد انسان
۴			کمال درگروی شکوفایی عوامل کرامت ذاتی و تحصیل کرامت اکتسابی است/ انسان خواهان کسب کرامت مضاعف است:	متربی باید نسبت به کمال حقیقی و راه تحصیل آن (کرامت اکتسابی) شناخت به دست آورد.	ایجاد بینش در متربی برای درک کمال حقیقی: اعطای بینش، تعلیم حکمت و آشنایی با انسان کامل و اسوه سازی
۵			تحصیل کرامت اکتسابی تابع تقوای الهی و اطاعت و بندگی خداوند متعال است.	برای تحصیل کرامت اکتسابی باید متربی را به تقوا و عمل صالح پرانگیخت.	دعوت به ایمان، تزکیه، تعقل، عاقبت اندیشی، موعظه، عبادت، تبتییر و تندر

یاداشتها

- ۱ - به عنوان نمونه می‌توان به مباحث تربیتی خواجه نصیرالدین طوسی، امام محمد غزالی، مسکویه و ... اشاره کرد.
- ۲ - چون انسان در مقام ارزیابی اخلاقی در تحصیل این نوع از کمال نقشی ندارد، نمی‌تواند برای انسان واجد ارزش باشد.
- ۳ - مراد از خودشناسی در اینجا بعدی از ابعاد خودشناسی است. البته ابعادی که شناخت آنها در این پژوهش تحت عنوان خودشناسی یاد شده است. مهمترین ابعاد خودشناسی یعنی معرفت به مبدأ انسان، منزلت وی در نظام آفرینش و کمال انسان است. بنابراین اینکه از شناخت این موارد (بویژه شناخت مبدأ انسان و عوامل منزلت انسان در نظام آفرینش که سبب کرامت ذاتی انسان است.) تحت عنوان خودشناسی یاد شود این مفهوم در جایگاهی خارج از آنچه بر آن دلالت دارد به کار نرفته است.
- ۴ - ذکر این نکته لازم است که معرفت به کرامت ذاتی با معرفت به عوامل یا مسببات کرامت ذاتی یکسان است؛ یعنی وقتی انسان بداند که عواملی در ساختار وجودی او به کار رفته که به سبب آن بر سایر مخلوقات برتری یافته یا قداست و ارزش پیدا کرده است او به کرامت ذاتی خود هم پی برده است؛ یعنی آگاهی از کرامت ذاتی نتیجه قطعی معرفت به عوامل کرامت انسان است و فاصله‌ای میان این دو نیست.

- ۵ - مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ حضرت امام هادی(ع). (تحف العقول: ۴۸۳) اللّٰثِم لا یستحیی.
- ۶ - ذکر این نکته لازم است که در متون اسلامی برای کرامت دو وجه یا دو حیثیت کلی ذکر کرده اند: کرامت ذاتی و کرامت اکتسابی. کرامت اکتسابی در واقع مقارن مفهوم عزت است؛ چنانکه اشاره شد عزت کرامتی است که ذاتی انسان نیست و در سایه ایمان و تقوا قابل اکتساب است. بدین سبب ما کرامت اکتسابی را معادل عزت گرفته ایم. به این دلیل که این نوع کرامت معیار ارزیابی انسانها نسبت به هم است، آن را کرامت ارزشی نیز می گویند. عزت را کرامت مضاعف نیز نامیده اند. باقری (۱۳۸۵: ۱۹۳) می نویسد «عزت حاصل کرامت است. می توان گفت که عزت نیز از جنس کرامت است؛ اما از آنجا که عزت با برتر آمدن ملازم دارد، باید گفت که عزت، کرامت مضاعف است. از این رو هر جا عزت باشد، لاجرم کرامت نیز هست، اما هر جا کرامت باشد، لزوماً عزت موجود نیست؛ بنی آدم همه مکرمند، اما همه عزتمند نیستند».
- ۷ - اشاره شد که انسان فطرتاً کمال طلب است. وقتی کمال حقیقی خود را (کرامت اکتسابی) شناخت، پس فطرتاً طالب آن خواهد بود.

منابع فارسی

قرآن کریم.

نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم: اوج علم.

آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین (۱۳۶۶)، شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غررالحکم و درر الکلم، ج ۷. تهران: دانشگاه تهران.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳ق). تحف العقول عن آل الرسول (ص). قم: جامعه مدرسین.

باقری، خسرو (۱۳۸۵). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. ج اول. چ پانزدهم. تهران: مدرسه.

باقری خسرو (۱۳۸۷). درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران. ج اول. تهران: علمی و فرهنگی.

باقری خسرو، با همکاری سجادیه نرگس و توسلی طیبه (۱۳۸۹)، رویکردها و روش های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

بهشتی، محمد؛ ابوجعفری، مهدی؛ فقیهی، علی نقی (۱۳۸۸). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن. تهران: سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۷). کرامت در قرآن. قم: مرکز نشر فرهنگی رجاء.

حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد؛ حکیمی، علی (۱۳۸۰). الحیاه. ترجمه احمد آرام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

حسینی زاده، سیدعلی (۱۳۹۰). تربیت فرزند (سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)). ج اول. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- خوی نژاد، غلامرضا (۱۳۸۷). روش‌های پژوهش در علوم تربیتی. تهران: سمت.
- داودی، محمد (۱۳۸۷). تربیت اخلاقی سیره تربیتی پیامبر(ص) و اهل بیت (ع). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴). ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن. غلامرضا خسروی. تهران: مرتضوی.
- زارعی، زهرا (۱۳۸۸). بررسی عزت نفس و آثار تربیتی آن از دیدگاه قرآن کریم براساس تفسیرالمیزان. پایان نامه، دانشگاه علامه طباطبایی.
- سجادی، سید مهدی (۱۳۷۹). رویکردها و روش‌های تربیت اخلاقی و ارزشی. مجله پژوهش‌های فلسفی - کلامی، ش ۳.
- شاملی، عباسعلی (۱۳۷۹). در تکاپوی رسیدن به مدلی از تربیت اخلاقی در اسلام. مجله تربیت اسلامی. ش ۲.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.
- صادق زاده، علیرضا (۱۳۷۵). مروری بر مبانی، اصول و شیوه‌های تهذیب اخلاقی از نظر غزالی و فیض، پایان‌نامه. دانشگاه تربیت مدرس.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فتحعلی، محمود؛ مصباح، مجتبی؛ یوسفیان، حسن (۱۳۹۰). فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی. زیر نظر آیت‌الله مصباح یزدی. تهران: مدرسه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). بحارالأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- حجت، طباطبایی و همکاران (۱۳۸۹). دانش حدیث. قم: نشر جمال.
- مسعودی، عبدالهادی (۱۳۸۷). روش فهم حدیث. تهران: سمت.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰). به سوی خودسازی. چ چهارم. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا.
- مؤدب، سید رضا (۱۳۸۶). کرامت انسان و مبانی قرآنی آن از نگاه امام خمینی. مجله بینات. ش ۵۳.
- مهرداد، سیدمهدی (۱۳۷۲). کرامت انسان از دیدگاه اسلام. مقطع کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- یداله‌پور، بهروز (۱۳۸۸). کرامت انسان در قرآن (ماهیت، مبانی، موانع). رساله دکتری. دانشگاه قم.

